

مفاهیم و ویژگی‌های الگوی اطلاع‌یابی ویلسون: مروری بر متون

موسی یمین فیروز^۱، فاطمه نوشین فرد^۲، حسن صیامیان^۳

چکیده

هدف از مطالعه‌ی حاضر، بیان مفاهیم و ویژگی‌های الگوی اطلاع‌یابی ویلسون (Wilson) به عنوان پراستنادترین الگو در بحث رفتار اطلاع‌یابی بوده و فرایند تکمیل، بسط و گسترش آن با مرور متون مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج نشان داد که مدل اطلاع‌یابی ویلسون پایه و بنیان الگوهای اطلاع‌یابی بعد از خود بوده و یکی از پراستنادترین الگوها در بین انواع الگوهای اطلاع‌یابی مطرح شده در جهان می‌باشد. این الگو از سال ۱۹۸۱ تا کنون ۴ بار مورد بازنگری قرار گرفته و اکثر صاحب‌نظران معتقد هستند که الگوی کلی ویلسون بیشتر یک نظریه است تا یک چارچوب نظری. به عبارت دیگر، اگر چه در شکل نهایی این الگو نظریه ایفای نقش می‌کند، اما هدف از الگوی مذکور، پیوند دادن نظریه به عمل می‌باشد. درک این نکته مهم است که الگوی عام ویلسون در طول زمان شکل گرفته و تکامل تدریجی داشته است و فهم ارتباط میان نمودارهای مختلفی که او به منظور تشریح این الگو ارائه نموده ضروری است. از این رو باید درک شود که هیچ الگویی مستقل و کامل نیست و در استفاده از این الگو برای نشان دادن روند رشد ایده‌های پژوهشی، لازم است که تمام نمودارهای موجود در الگوی سال ۱۹۸۱ و همچنین الگوی سال ۱۹۹۶ بازنگری و بر اساس آن‌ها عمل گردد. در این پژوهش ابتدا مفاهیم و ویژگی‌های الگوی اطلاع‌یابی ویلسون بیان شده و ضمن مروری کوتاه بر نظریه‌های رفتار اطلاع‌یابی، الگوهای اطلاع‌یابی ویلسون مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

واژه‌های کلیدی: رفتار اطلاع‌یابی؛ مدل ویلسون؛ جستجو و ذخیره‌ی اطلاعات

نوع مقاله: مروری

پدیرش مقاله: ۹۱/۲/۱۷

اصلاح نهایی: ۹۱/۲/۵

دریافت مقاله: ۹۰/۲/۳۱

ارجاع: یمین فیروز موسی، نوشین فرد فاطمه، صیامیان حسن. مفاهیم و ویژگی‌های الگوی اطلاع‌یابی ویلسون: مروری بر متون. مدیریت اطلاعات سلامت ۱۳۹۱؛ ۹ (۴): ۵۷۹-۵۶۷.

مقدمه

کنفرانس ۷ سال قبل از آن که Hansen واژه‌ی «علم اطلاعات» را وضع کند، برگزار شد. در ادامه، اتخاذ روش‌های کیفی به صورت عام از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ در بریتانیا موجب بررسی‌هایی در مورد رفتار انسان شد. این امر احتمال وقوع نظریه‌ها و مدل‌هایی را در علوم اجتماعی که بتواند برای مطالعه‌ی

پژوهش در رفتار اطلاعاتی، متخصصان اطلاعاتی را قبل از آن که واژه‌ی «علم اطلاعات» ساخته شود، به خود مشغول کرده بود. آغاز این نوع پژوهش‌ها را می‌توان به کنفرانس جامعه‌ی سلطنتی اطلاعات علمی (The royal society scientific information conference) که در سال ۱۹۴۸ برگزار شد، نسبت داد (۱). در این کنفرانس تعدادی مقاله درباره‌ی رفتار اطلاعاتی توسط دانشمندان رایانه ارائه شد. در مقالات این کنفرانس از واژه‌ی «رفتار اطلاعاتی» (Information behavior) استفاده نشده بود؛ چرا که بیشتر مقالات درباره‌ی استفاده از مدارک و کتابخانه‌ها بود. این

۱- مدرس، آموزش عمومی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران (نویسنده‌ی مسؤول)

Email: yaminfirooz@yahoo.com

۲- استادیار، کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری، کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران و مربی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران

معمول هدف از رسم یک مدل این است که ببینیم آیا فرضیه‌ها با آن چه که در زندگی واقعی دیده می‌شود، هماهنگ هستند یا خیر. در واقع مدل، روابط بین مفاهیم را شرح می‌دهد و این مشابه همان کاری است که نظریه می‌کند با این تفاوت که مدل با جهان واقعی ارتباط نزدیک‌تری دارد. یک مدل یا الگو ممکن است به عنوان معیاری برای تفکر درباره‌ی مسأله‌ای خاص تعریف گردد (۴).

۲. الگوی اطلاع‌یابی: روند فعالیت (رفتار) کاربران از آغاز جستجو تا رسیدن به نتیجه‌ای مطلوب در مجراهای اطلاعاتی از چند مرحله تشکیل می‌شود که از ترکیب این مراحل الگوی اطلاع‌یابی شکل می‌گیرد. Wilson معتقد است که در مدل‌های اطلاع‌یابی اغلب برای توصیف رفتار اطلاع‌یابی، دلایل و نتایج آن و یا رابطه‌ی میان مراحل مختلف رفتار اطلاع‌یابی از نمودار استفاده می‌کنند و به ندرت به بیان روابط میان موضوعات نظری آن می‌پردازند و بیشتر در مرحله‌ی قبل از نظریه باقی می‌مانند (۶).

۳. رفتار اطلاعاتی: مجموعه‌ای از رفتارهای انسانی مرتبط با منابع و کانال‌های اطلاعاتی است که شامل مواجهه با اطلاعات و به کارگیری آن می‌باشد. بنابراین ارتباط رو در رو با دیگران و اطلاعات ناخواسته‌ی دریافت شده‌ی ناشی از تماشای آگهی‌های تلویزیون رفتار اطلاعاتی تلقی می‌شود (۴).

۴. رفتار اطلاع‌یابی: به مجموعه فعالیت‌هایی که یک فرد برای رفع نیازهای اطلاعاتی خود بعد از شناسایی وجود تردید در خود انجام می‌دهد، رفتار اطلاع‌یابی می‌گویند و شامل اهداف، روش، ابزار و نوع اطلاعات مورد جستجو و عوامل مؤثر بر آن است. Wilson رفتار اطلاع‌یابی را جستجوی هدفمندی برای یافتن اطلاعات جهت رفع نیازها قلمداد می‌کند و معتقد است فقط کسانی که نیازهای اطلاعاتی‌شان برای خود آنان مشخص است به استفاده از منابع اطلاعاتی می‌پردازند (۷).

۵. رفتار جستجوی اطلاعات: سطح کوچکی از رفتار مورد استفاده توسط فرد جستجوگر در تعامل با سیستم‌های اطلاعاتی است. خواه از نوع ساده مثل استفاده از ماوس و

رفتار اطلاعاتی به کار رود، بیشتر کرد. در همین دوره مدل‌ها و نظریه‌های ارائه شده توسط پژوهشگرانی هم چون Dervin، Ellis و Wilson پایه‌ای برای پژوهش‌های بیشتر شدند (۲). از دهه‌ی ۱۹۹۰ حوزه‌ی رفتار اطلاعاتی مراحل گذار عمده‌ای را پشت سر نهاد و تا حد زیادی متأثر از انواع روش‌های پژوهشی حاکم بود (۳)؛ در حالی که برخی پژوهشگران رفتار اطلاعاتی را به طور محدود تنها برای اشاره به فعالیت‌های جستجوی اطلاعات به کار می‌برند، اکثر پژوهشگران از معنای گسترده‌تر Wilson پیروی می‌کنند که رفتار اطلاعاتی را عبارت از مجموعه‌ی رفتار انسانی در ارتباط با منابع و مجراهای اطلاعاتی از جمله اطلاع‌جویی (Information searching) و استفاده از اطلاعات به صورت فعال و غیر فعال می‌داند (۴).

نوشین‌فرد در بررسی عوامل مرتبط با رفتار اطلاع‌یابی اعضای هیأت علمی مشخص نمود که رفتار اطلاع‌یابی بحث مهمی در عرصه‌ی آموزش، پژوهش و مطالعات اطلاع‌رسانی و دیگر قلمروهای علمی مرتبط با آن است و رفتاری که فرد در مسیر دستیابی به پاسخ سوالات و نیز کشف دانسته‌های جدید از خود نشان می‌دهد، بیانگر رفتار اطلاع‌یابی آن فرد است و تحت تأثیر عوامل مختلف قرار دارد (۵).

در این مقاله ضمن ارائه‌ی مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با حوزه‌ی رفتار اطلاع‌یابی، به مرور نظریه و الگوهای مختلف رفتار اطلاع‌یابی پرداخته شد؛ چرا که در جامعه‌ی اطلاعات و دانش محور امروز، بررسی مبانی نظری و رویکردهای مختلف مطالعه‌ی رفتار اطلاعاتی انسان امری ضروری است. در ادامه، مدل اطلاع‌یابی ویلسون که یکی از پراستنادترین و تأثیرگذارترین الگوها در حوزه‌ی رفتار اطلاع‌یابی است معرفی شده و فرایند تکاملی آن ترسیم می‌گردد.

شرح مقاله

مفاهیم رایج در اطلاع‌یابی

۱. مدل یا الگو: در یک بیان ساده، مدل یا الگو عبارت است از آن چه که فهم یک مسأله را آسان می‌کند. به طور

به طور خلاصه به مهم‌ترین آن‌ها به ترتیب دوره‌ی زمانی اشاره می‌شود.

خاستگاه اولین مجموعه الگوهای اطلاع‌یابی به سال ۱۹۷۱ بر می‌گردد، زمانی که Wilson به ارایه‌ی سمینار پایان‌نامه‌ی دکتری خود در دانشگاه مریلند پرداخت. الگوی اطلاع‌یابی ویلسون در سال‌های ۱۹۸۱، ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹ با همکاری Walsh توسعه‌ی قابل توجهی یافت و آن چه در این الگو مهم است، رویکرد ۳ گانه‌ی جستجوی اطلاعات است. از آن جا که در بخش بعدی مقاله این مدل به طور کامل تشریح می‌گردد، در این جا به همین بسنده شده است (۴).

Wilson در سال ۱۹۸۳ نظریه‌ی اعتبارشناختی را که برگرفته از معرفت‌شناسی اجتماعی است، ارایه نمود. مفهوم اساسی در نظریه‌ی اعتبارشناختی Wilson این است که مردم به طور معمول دانش خود را به دو روش متفاوت به دست می‌آورند: بر اساس تجربیات دست اول خود یا آن چه به صورت دست دوم از دیگران یاد گرفته‌اند (۴). در همین سال (۱۹۸۳) Kirkelas مدل خود را در رابطه با رفتار اطلاع‌یابی مطرح کرد. او یک مدل جستجوی کتابخانه‌ای ارایه نمود. ذغدغه‌ی ذهنی او عدم وجود تمایز بین مطالعات استفاده شده و مطالعات کاربران و همچنین، فقدان اجماع در خصوص چگونگی تعریف اطلاعات در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی بود (۳). البته باید به این نکته اشاره کرد، با وجود این که طی دو دهه‌ی گذشته به مقاله‌ی Kirkelas بارها استناد شده، اما به خاطر سادگی مدل وی و هویت ذاتی آن، به عنوان «یک مدل جستجوی کتابخانه» مورد نقد قرار گرفته است.

Diane Nahl در سال ۱۹۸۶ نظریه‌ی بار عاطفی (Affective load) را در حوزه‌ی رفتار اطلاعاتی مطرح کرد. او بر نقش عاطفه در رفتار اطلاعاتی و چگونگی تأثیر آن بر عملکردهای شناختی تأکید داشت (۹). Belkin در سال ۱۹۹۷ فرضیه‌ی وضعیت ناهمگون دانش (ASK) یا (Anomalous state of knowledge) را ارایه کرد. او معتقد بود که مفهوم وضعیت ناهمگون دانش ارتباط آشکاری با رفتار اطلاع‌یابی در زمینه‌ی پرداختن به تشریح این دلیل

کلیک روی لینک‌ها و یا در سطح هوشمند مثل اتخاذ راهبرد جستجوی بولی یا تعیین ضوابطی برای تصمیم‌گیری بر روی انتخاب مطلب از روی دو کتاب همسان باشد. همچنین فعالیت‌هایی که در فرد درگیری ذهنی ایجاد می‌کنند مانند داوری در مورد ارتباط داده با اطلاعات مرتبط با آن، از این نوع هستند. (۸).

۶. رفتار استفاده از اطلاعات: شامل اعمال فیزیکی

و ذهنی است که در آن دانش کسب شده با دانش قبلی فرد در هم آمیخته می‌شوند. این درگیری ممکن است در فعالیت‌های فیزیکی مثل دسته‌بندی کردن یک متن با توجه به اهمیت معانی آن باشد و یا ممکن است یک درگیری ذهنی مثل مقایسه‌ی اطلاعات قدیم با دانش جدید و کسب شده باشد (۶).

نوشین فرد در جمع‌بندی تعاریف ارایه شده در این حوزه معتقد است، اصطلاح رفتار اطلاع‌یابی به شیوه‌های گوناگون برای اشاره به هر بستری به کار می‌رود که در آن، اطلاعات جستجو می‌گردد و تمام شکل‌های اطلاع‌یابی را در برمی‌گیرد. جزء «اطلاع‌یابی» این اصطلاح ممکن است بیش از آن که به طور ضمنی میزان فعالیت مثبتی را برساند، از فعالیتی حکایت کند که توسط مطالعات فردی یا گروهی نتیجه نداده باشد؛ در حالی که اصطلاح خنثای «جمع‌آوری اطلاعات» ممکن است توصیفی عینی‌تر از اطلاع‌یابی ارایه دهد. جزء «رفتار» در این اصطلاح نیز ممکن است به سبب معنای ضمنی «رفتارگرایی» کمی مبهم جلوه کند (۵).

مروری کوتاه بر نظریه‌های رفتار اطلاعاتی

در دهه‌های اخیر دانشمندان از واژه‌های بسیاری برای اشاره به جنبه‌های متنوع رفتار اطلاع‌یابی استفاده کرده‌اند. پژوهشگران حوزه‌ی رفتار اطلاعاتی از جمله فعال‌ترین استفاده کنندگان نظریه در پژوهش‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی هستند (۳). استفاده از نظریه در رفتار اطلاعاتی رو به رشد است و تعداد فزاینده‌ای از نظریه‌ها از درون این حوزه در حال شکل‌گیری می‌باشد که در این بخش از مقاله

خاص دارد که چرا مردم به رفتار اطلاع‌یابی روی می‌آورند و چگونه استدلال‌ها می‌تواند از طریق تعامل شخصی با اطلاعات پاسخ داده شود (۴).

با توجه به این که در دهه‌ی ۷۰ تا ۸۰ در حوزه‌ی کتابداری و علم اطلاعات بیشتر به فنون جستجو توجه می‌شد، Bates نظریه‌ی دانه‌ی چینی (Berrypicking) را در سال ۱۹۸۹ مطرح کرد که تا سال ۲۰۱۰، ۱۴۸ بار مورد استناد قرار گرفت. وی ابتدا الگویی از روش جستجوی دانه‌ی چینی تدوین کرد و سپس طیف وسیعی از ویژگی‌های طراحی را که ممکن است استفاده کنندگان نظام‌های پیوسته تمایل داشته باشند برای رسیدن به اهداف جستجوی خود در اختیار داشته باشند، ارائه نمود (۱۰).

در سال ۱۹۹۵، Chang بر اساس یافته‌های مشاهدات تجربی و داده‌های حاصل از مصاحبه با ۳۳ استفاده کننده از مجموعه کتابخانه‌های مختلف (شامل کتابخانه‌ی دانشگاهی، عمومی و اختصاصی) مفهوم تورق (Browsing) را که یکی از معمول‌ترین شکل‌های مشهود رفتار اطلاعاتی انسان است، ارائه کرد. او در پژوهش خود ثابت کرد که افراد چرا، چگونه و چه چیزی را در مدارک بر حسب ابعاد اساسی چهارگانه‌ی تورق (یعنی رفتار، انگیزه، شناخت و منابع) مرور می‌کنند (۴).

در سال ۱۹۹۵، Ellis مدل دیگری که شباهت زیادی با مدل Ellis دارد، توسط Sawolainen ارائه گردید و اطلاع‌یابی در زندگی روزمره (Every day life information seeking) یا (ELIS) نام گرفت. در این مدل تأکید بر روی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در استفاده از منابع اطلاعاتی است (۱۵). در همین سال در حیطه‌ی علم اطلاعات مدل دیگری به نام پرس و جوی تحمیلی (The imposed query) توسط Gross ارائه شد. این مدل عقل‌گرایانه بوده و بر مشاهده‌ی رفتار واقعی کاربر در اجتماع و محیط‌های کتابخانه یا مدارس استوار است (۱۶). Rioux در سال ۲۰۰۰ نظریه‌ی اکتساب و اشتراک اطلاعات (Information acquiring & shairing) را بر مبنای مطالعه‌ی اکتشافی مطرح کرد. فرضیه Rioux این بود که وقتی یک فرد برخورد کننده‌ی اطلاعات به طور غیر منتظره‌ای، با آن چه که اطلاعات مفید یا مطلوب می‌داند برخورد می‌کند، اغلب چنین می‌پندارد که این اطلاعات، نیازهای فرد دیگری را که وی می‌شناسد نیز تأمین می‌کند، در نتیجه اقدام به اشتراک اطلاعات می‌کند (۱۷).

در سال ۱۹۹۵، Ellis مدل دیگری که شباهت زیادی با مدل Ellis دارد، توسط Sawolainen ارائه گردید و اطلاع‌یابی در زندگی روزمره (Every day life information seeking) یا (ELIS) نام گرفت. در این مدل تأکید بر روی نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در استفاده از منابع اطلاعاتی است (۱۵). در همین سال در حیطه‌ی علم اطلاعات مدل دیگری به نام پرس و جوی تحمیلی (The imposed query) توسط Gross ارائه شد. این مدل عقل‌گرایانه بوده و بر مشاهده‌ی رفتار واقعی کاربر در اجتماع و محیط‌های کتابخانه یا مدارس استوار است (۱۶). Rioux در سال ۲۰۰۰ نظریه‌ی اکتساب و اشتراک اطلاعات (Information acquiring & shairing) را بر مبنای مطالعه‌ی اکتشافی مطرح کرد. فرضیه Rioux این بود که وقتی یک فرد برخورد کننده‌ی اطلاعات به طور غیر منتظره‌ای، با آن چه که اطلاعات مفید یا مطلوب می‌داند برخورد می‌کند، اغلب چنین می‌پندارد که این اطلاعات، نیازهای فرد دیگری را که وی می‌شناسد نیز تأمین می‌کند، در نتیجه اقدام به اشتراک اطلاعات می‌کند (۱۷).

در سال ۱۹۹۵، Chang بر اساس یافته‌های مشاهدات تجربی و داده‌های حاصل از مصاحبه با ۳۳ استفاده کننده از مجموعه کتابخانه‌های مختلف (شامل کتابخانه‌ی دانشگاهی، عمومی و اختصاصی) مفهوم تورق (Browsing) را که یکی از معمول‌ترین شکل‌های مشهود رفتار اطلاعاتی انسان است، ارائه کرد. او در پژوهش خود ثابت کرد که افراد چرا، چگونه و چه چیزی را در مدارک بر حسب ابعاد اساسی چهارگانه‌ی تورق (یعنی رفتار، انگیزه، شناخت و منابع) مرور می‌کنند (۴).

Chatman نظریه‌ی فقر اطلاعاتی را در سال ۱۹۹۶ مطرح کرد. او معتقد بود، نظریه‌ی فقر اطلاعاتی در چارچوب مفهوم وسیع‌تری از خودی‌ها و بیگانگان اطلاعاتی یا آن چه که Chatman به عنوان جامعه‌شناسی دانش (The sociology of knowledge) به آن اشاره دارد، قرار دارد (۱۱). Chatman نظریه‌ی دیگری به نام زندگی سه بعدی نیز دارد که در سال ۱۹۹۹ ارائه گردید و برای پژوهشگرانی که رفتار اطلاعاتی را در یک زمینه‌ی خاص جهان کوچک مورد جستجو قرار می‌دهند، ارزشمند است. او در این نظریه از نظریه‌های گوناگون جامعه‌شناسی الهام گرفته است (۱۲).

Williamson در سال ۱۹۹۸ نظریه‌ی بوم‌شناختی رفتار اطلاعاتی انسان (Ecological theory of human) را مطرح کرد. او معتقد بود، نظریه‌ی فقر اطلاعاتی در چارچوب مفهوم وسیع‌تری از خودی‌ها و بیگانگان اطلاعاتی یا آن چه که Chatman به عنوان جامعه‌شناسی دانش (The sociology of knowledge) به آن اشاره دارد، قرار دارد (۱۱). Chatman نظریه‌ی دیگری به نام زندگی سه بعدی نیز دارد که در سال ۱۹۹۹ ارائه گردید و برای پژوهشگرانی که رفتار اطلاعاتی را در یک زمینه‌ی خاص جهان کوچک مورد جستجو قرار می‌دهند، ارزشمند است. او در این نظریه از نظریه‌های گوناگون جامعه‌شناسی الهام گرفته است (۱۲).

Williamson در سال ۱۹۹۸ نظریه‌ی بوم‌شناختی رفتار اطلاعاتی انسان (Ecological theory of human) را مطرح کرد. او معتقد بود، نظریه‌ی فقر اطلاعاتی در چارچوب مفهوم وسیع‌تری از خودی‌ها و بیگانگان اطلاعاتی یا آن چه که Chatman به عنوان جامعه‌شناسی دانش (The sociology of knowledge) به آن اشاره دارد، قرار دارد (۱۱). Chatman نظریه‌ی دیگری به نام زندگی سه بعدی نیز دارد که در سال ۱۹۹۹ ارائه گردید و برای پژوهشگرانی که رفتار اطلاعاتی را در یک زمینه‌ی خاص جهان کوچک مورد جستجو قرار می‌دهند، ارزشمند است. او در این نظریه از نظریه‌های گوناگون جامعه‌شناسی الهام گرفته است (۱۲).

Williamson در سال ۱۹۹۸ نظریه‌ی بوم‌شناختی رفتار اطلاعاتی انسان (Ecological theory of human) را مطرح کرد. او معتقد بود، نظریه‌ی فقر اطلاعاتی در چارچوب مفهوم وسیع‌تری از خودی‌ها و بیگانگان اطلاعاتی یا آن چه که Chatman به عنوان جامعه‌شناسی دانش (The sociology of knowledge) به آن اشاره دارد، قرار دارد (۱۱). Chatman نظریه‌ی دیگری به نام زندگی سه بعدی نیز دارد که در سال ۱۹۹۹ ارائه گردید و برای پژوهشگرانی که رفتار اطلاعاتی را در یک زمینه‌ی خاص جهان کوچک مورد جستجو قرار می‌دهند، ارزشمند است. او در این نظریه از نظریه‌های گوناگون جامعه‌شناسی الهام گرفته است (۱۲).

درباره‌ی موضوع مورد علاقه افراد کمک کند. در عالم واقع، همیشه یک خط مرز مشخص بین الگو و نظریه درباره‌ی یک پدیده وجود ندارد. گاهی اوقات الگوها سال‌ها قبل از این که پژوهش‌ها توسعه یافته و به نقطه‌ای رسیده باشند که آن‌ها را به یک نظریه‌ی واقعی نزدیک‌تر کند، به نظریه‌ها جهت داده و به عنوان راهنما و هدایتگر پژوهش‌ها در یک حوزه عمل می‌کنند (۱۰).

مجموعه مدل‌های Wilson (سال‌های ۱۹۸۱، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶، ۱۹۹۸) جهت‌هایی را در نظریه و تجربه‌ی پژوهش اطلاع‌یابی منعکس می‌کند. از بین ۴ مدل ارائه شده در مسأله‌ی ذکر شده فقط مدل سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۸۱ اصلی هستند. بقیه‌ی مدل‌ها در تأیید و یا توسعه و تکمیل آورده شده‌اند. در ادامه دو مدل مورد نظر و یک مدل که آن نیز در سال ۱۹۸۱ و در تکمیل اولین مدل Wilson آورده شده است، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. نخستین مدل اطلاع‌یابی Wilson

همان‌طور که در مدل سال ۱۹۸۱ (شکل ۱) دیده می‌شود، این مدل حوزه‌های مختلف تحت پوشش رفتار اطلاع‌یابی را از دیدگاه Wilson نشان می‌دهد. او این مدل را به عنوان یک الگوی حل مسأله برای پژوهش‌ها به کار برد. این حوزه‌ها می‌تواند به عنوان گزینه‌ای جهت برآوردن نیازهای اطلاعاتی عمومی مورد استفاده قرار گیرد. دامنه‌ی این الگو بسیار گسترده بوده و تلاش دارد موارد بیشتری را که به عنوان رفتار اطلاعاتی مطرح شده‌اند، پوشش دهد.

مدل Wilson نشان می‌دهد که رفتار اطلاع‌یابی ناشی از درک نیاز توسط کاربر است. کاربر به منظور رفع نیاز از منابع اطلاعاتی و یا سیستم‌های اطلاعاتی رسمی و غیر رسمی (مبادله‌ی اطلاعات با سایر افراد) استفاده می‌کند. این فرآیند ممکن است در یافتن اطلاعات با موفقیت یا عدم موفقیت همراه باشد. در صورت موفقیت، فرد از اطلاعات استفاده می‌کند و این استفاده ممکن است به رضایت کامل یا عدم رضایت او منجر شود، اما اگر جستجو برای اطلاعات در منابع یاد شده شکست بخورد، جستجوگر در واقع با بن‌بست مواجه

استوار است که بسیاری از جنبه‌های رفتار اطلاعاتی و طراحی منابع اطلاعاتی در عصر دیجیتال را می‌توان به وسیله‌ی آن چه Dersang به عنوان اصول عصر دیجیتال از آن‌ها یاد می‌کند، تشریح نمود (۴).

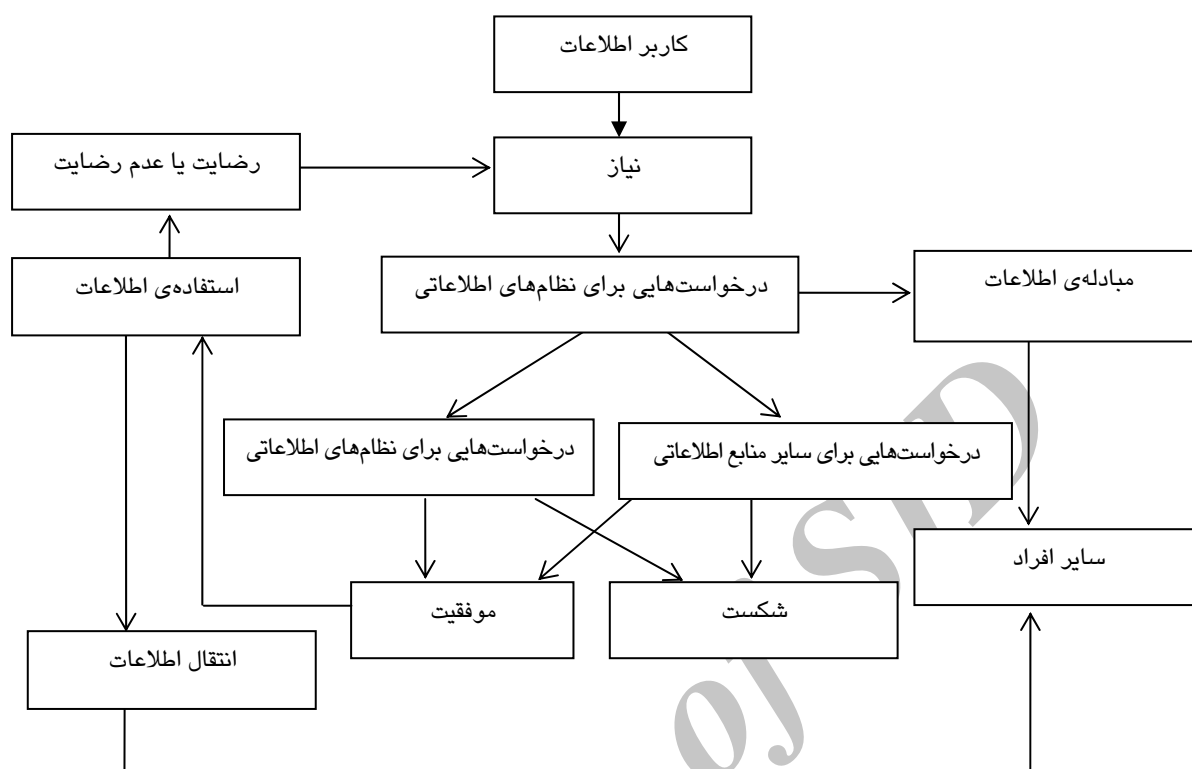
در سال ۲۰۰۴، Foster مدل اطلاع‌یابی غیر خطی (Nonlinear information seeking) را ارائه داد که با مدل‌های پیشین رفتار اطلاع‌یابی فرق می‌کرد و نشان دهنده‌ی یک تغییر به سمت درک جدیدی از رفتار اطلاعاتی کاربران بود (۱۸).

مرور نظریه‌های مطرح شده به ما نشان می‌دهد که در ابتدا منابع اطلاعاتی و یا مجراهای اطلاعاتی مرکز توجه پژوهشگران بوده و به محمل‌های اطلاعاتی بیشتر از استفاده کنندگان آن توجه می‌شد، ولی در ادامه کاربران و جستجوگران اطلاعات در کانون توجه قرار گرفتند و مسایل و مشکلاتی که آنان در جستجوی اطلاعات با آن مواجه بودند، مدنظر پژوهشگران حوزه‌ی رفتار اطلاع‌یابی قرار گرفت؛ به طوری که در این فرآیند عوامل شناختی و انگیزشی کاربران نیز مهم تلقی شد و به مرور در مدل‌های اطلاع‌یابی پیشنهادی نظریه‌پردازان رفتار اطلاعاتی، چهار عامل کاربر، محیط اطلاعاتی، منابع اطلاعاتی (مجراهای اطلاعاتی) و حتی حرفه و هویت شغلی را مورد توجه خود قرار دادند.

البته نباید این مسأله را نادیده گرفت که گسترش منابع اطلاعاتی دیجیتالی تحولی چشمگیر در پژوهش‌های حوزه‌ی رفتار اطلاعاتی در حوزه‌های مختلف ایجاد نمود و باعث شد تا نظریه‌پردازان جدید با کاربست مدل‌های اطلاع‌یابی قبلی به ارائه‌ی مدل‌های جدید اطلاع‌یابی اقدام نموده و فرآیندهایی در خصوص رفتار اطلاع‌یابی نیز ارائه دهند.

الگوی اطلاع‌یابی Wilson

الگوها در توسعه‌ی نظریه از اهمیت زیادی برخوردارند. آن‌ها یک نوع نظریه‌ی پیشنهادی یا یک مجموعه‌ی پیشنهادی آزمایشی از روابط، به منظور آزمایش اعتبار و صحت نظریه‌ها هستند. توسعه‌ی یک الگو اغلب در عمل قادر است به تفکر



شکل ۱: اولین الگوی اطلاع‌یابی Wilson (۱۳)

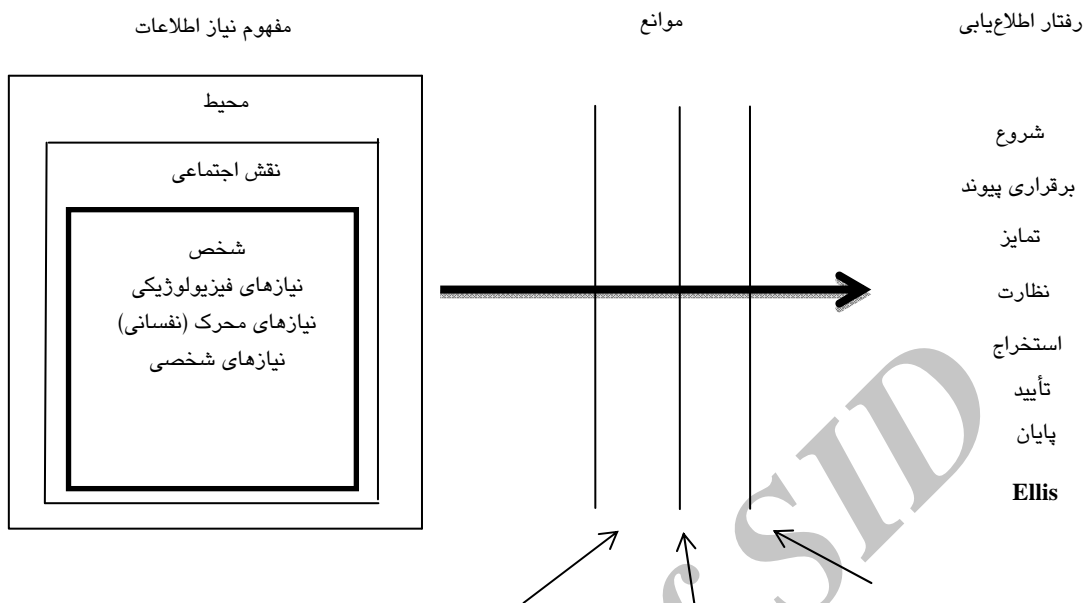
طریق مبادله‌ی اطلاعات درگیر کند و اطلاعات مفید به دست آمده ممکن است توسط خود فرد مورد استفاده قرار گیرد و یا به سایر افراد منتقل شود. در مدل‌های دیگر به این امر یعنی تبادل اطلاعات بین افراد کمتر توجه شده است (۶). از ضعف‌های این مدل می‌توان به عدم ارایه‌ی یک ارتباط بین بروز شکست و شکل‌گیری مجدد رفتار اطلاع‌یابی اشاره نمود.

۲. مدل تکمیلی اولین مدل Wilson

در همین سال Wilson مدل دوم خود را ارائه کرد (شکل ۲). در این مدل همان‌طور که تصویر زیر نشان می‌دهد، او برای تکمیل مدل خود از مدل رفتار اطلاع‌یابی Ellis کمک گرفت. این مدل بر اساس دو محور اصلی پایه‌گذاری شده است: اول این که نیاز اطلاعاتی یک نیاز اولیه نیست، بلکه نیازی ثانویه است که در ورای نیازهای اساسی و بنیادی انسان رخ می‌دهد و دوم این که پرسش‌کننده در تلاش برای یافتن اطلاعات به منظور برطرف کردن

شده و باید جستجوی خود را دوباره تکرار کند. داورپناه نیز معتقد است، این الگو نشان می‌دهد که بخشی از رفتار اطلاع‌یابی ممکن است سایر افراد را در فرایند تبادل اطلاعات شامل شود و آن در صورتی است که فرد اطلاعات بازیابی شده را مفید تشخیص دهد که در این صورت آن را در اختیار سایرین قرار می‌دهد تا شاید مورد استفاده‌ی آنان قرار گیرد (۱۳).

اگر چه الگوی ارایه شده Wilson (سال ۱۹۸۱) به تناوب مورد استناد واقع شد، اما در حدی که شایسته‌ی آن بود توسط دیگر پژوهشگران تشریح نشد. سرانجام هنگامی که Wilson یک بار دیگر فراغت پیدا کرد و علاقمند شد که در زمینه‌ی رفتار اطلاع‌یابی به پژوهش بپردازد، پیشرفت اندکی در توسعه‌ی الگوی رفتار اطلاع‌یابی صورت گرفت. در این مدل آن چه قابل تعمق است، توجه آن به این مهم است که بخشی از رفتار اطلاع‌یابی ممکن است افراد دیگری را نیز از



شکل ۲: مدل تکمیلی اولین مدل Ellis - Wilson (۴)

ویژگی‌های شخصیتی است که ممکن است به عنوان عامل بازدارنده و یا کمکی در فرایند اطلاع‌یابی مطرح شوند. ضعف مدل Wilson مربوط به این است که فرضیه‌های ذکر شده هیچ‌کدام به طور روشن بیان نشده‌اند و همگی فقط جنبه‌ی ضمنی و تلویحی دارند. محدودیت این مدل بیشتر از عدم توجه به خلأهای پژوهشی است. همچنین هیچ‌گونه پیشنهادی از عوامل علیتی در رفتار اطلاعاتی ارائه نمی‌کند (۱۹).

۳. دومین مدل اطلاع‌یابی Wilson

مدل تجدید نظر شده‌ی بعدی (شکل ۳) شکل کاملی از مدل سال ۱۹۸۱ است و ترسیم آن بر مبنای پژوهش در حوزه‌های متنوعی غیر از علم اطلاع‌رسانی نظیر تصمیم‌گیری، روان‌شناسی، نوآوری، ارتباط سالم و پژوهش درباره‌ی مشتری صورت گرفته است. در این مدل، مدل ۱۹۸۱ تأیید می‌شود. از جمله این که در مدل سوم نیز شخص در یک موقعیت خاص به عنوان کانون نیازهای اطلاعاتی قرار دارد. موانع توسط متغیرهای مداخله‌گر به وجود می‌آید و رفتار جستجوی اطلاعات شناسایی می‌شود. در عین حال در مدل تغییراتی نیز به وجود آمده است، مثل استفاده از متغیرهای مداخله‌گر به منظور نشان دادن این که تأثیر این متغیرها به همان اندازه که

یک نیاز اساسی، شاید با موانع مختلفی مواجه است. Wilson ضمن ترسیم این مدل بر اساس تعاریف روان‌شناختی، خاطر نشان می‌کند که نیازهای اساسی می‌تواند به صورت نیازهای فیزیولوژیکی، شناختی یا عاطفی تعریف شود و زمینه‌ی هر یک از این نیازها ممکن است خود شخص، ضرورت‌های کاری یا زندگی او، محیط‌های سیاسی، اقتصادی، فن‌آوری و ... که زندگی یا کار فرد در آن قرار گرفته است، باشد. وی همچنین ذکر می‌کند، موانعی که دامن‌گیر جستجوی اطلاعات می‌شود، بر اساس همان زمینه‌ها یا شرایط به وجود می‌آید (۶). همان‌طور که در این مدل دیده می‌شود، تعریف Ellis از رفتارهای اطلاع‌یابی نیز به عنوان مکمل در کنار مدل Wilson آورده شده است.

مدل Wilson به عنوان یک مدل کلان یا مدلی از رفتار اطلاع‌یابی اصلی، سعی در توصیف خاستگاه نیازهای اطلاعاتی و موانع موجود بر جستجوی واقعی برای کسب اطلاعات دارد. این مدل به طور ضمنی دسته‌ای از فرضیه‌ها را درباره‌ی رفتار اطلاعاتی ارائه می‌کند. این فرضیه‌ها قابل تقسیم هستند، برای مثال بخشی از مدل نشان دهنده‌ی نقشه‌ی کاری متفاوت است و یا بخشی دیگر نشان دهنده‌ی



شکل ۳: مدل دوم اطلاع‌یابی Wilson (۱۳)

احساس و ادراک می‌کند. پیدایش این نوع نیازها متأثر از زمینه‌ی است که فرد در آن قرار دارد و ممکن است این زمینه خود شخص یا نقشی که در کار و زندگی ایفا می‌کند و یا محیط (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فن‌آورانه) باشد.

این مؤلفه تأکید می‌کند که نقش حرفه‌ای افراد، موقعیت شغلی و اجتماعی، سلسله مراتب شغلی، محیط کار، محیط اجتماعی و ساختار سازمانی آن‌ها بر شکل‌گیری نیازهای اطلاعاتی اثرگذار هستند و حتی نیازهای اطلاعاتی دوره‌های دارای تحولات سیاسی و اقتصادی با نیازهای اطلاعاتی ایام ثبات اجتماعی با هم تفاوت دارند. از سویی این عوامل نه تنها بر پیدایش نیاز و تعیین نوع نیاز، بلکه بر ادراک موانع اطلاعاتی و راه‌های ارضای نیاز تأثیر می‌گذارد. عوامل تأثیرگذار بر رفتار اطلاعاتی هم تقویت‌کننده و هم مانع هستند. برای نشان دادن این تأثیر دوگانه، Wilson از اصطلاح متغیرهای مداخله‌گر به جای مانع استفاده می‌کند (۱۳).

ب. متغیرهای مداخله‌گر: نکته‌ی دیگری که Wilson در مدل خود مطرح می‌کند، عوامل تأثیرگذار بر رفتار اطلاعاتی افراد است که آن‌ها را متغیرهای مداخله‌گر می‌نامد. عوامل

ممکن است باعث استفاده‌ی بیشتر از اطلاعات شود، بازدارنده‌ی آن نیز می‌تواند باشد. همچنین رفتار اطلاع‌یابی در زمانی که جستجوی جدید مورد نظر است، نسبت به مدل قبلی از بخش‌های بیشتری تشکیل شده است و نیز در صورتی که نیازهای اطلاعاتی برطرف شود، پردازش و استفاده از اطلاعات بخش ضروری از حلقه‌ی بازخورد است (۶).

الگوی عمومی و جهان‌شمول Wilson (شکل ۳) رفتار اطلاع‌یابی را هم شامل رفتار جستجوی فعال و هم غیر فعال می‌داند، یعنی جستجوی غیر فعال ذهن برای کسب اطلاعات (به طور مثال تماشای تلویزیون و دریافت اطلاعاتی از برنامه‌های آن بدون قصد و اراده‌ی قبلی) جزء رفتار اطلاع‌یابی می‌باشد، همان‌طور که توجه غیر فعال (یعنی بدون قصد قبلی) و جستجوی مداوم را در این ردیف قرار می‌دهد. الگوی رفتار اطلاع‌یابی Wilson در این مدل شامل مؤلفه‌های زیر است (۱۳):

الف. زمینه‌ی نیاز اطلاعاتی: یعنی کاربر نیاز را در زمینه‌ی ادراک می‌کند که در واقع محیط کاربر محسوب می‌شود، بدین مفهوم که کاربر در یک محیط یا موقعیت، نیاز اطلاعاتی را

کرده است و از سویی با استفاده از نظریه‌ی یادگیری اجتماعی عامل «خود اثربخشی» را نیز به عنوان محرک مهم رفتار اطلاع‌یابی قلمداد نموده است که همان برآورد توان شخص از اجرای موفقیت‌آمیز جستجوی اطلاعات می‌باشد.

د. مرحله‌ی پردازش و استفاده‌ی اطلاعات: کل رفتار اطلاع‌یابی فرد به هر شکل که صورت گیرد (فعال یا غیر فعال) باعث پردازش و استفاده از اطلاعات می‌شود که هدف اصلی از جستجو همین است، اما این پردازش و استفاده با توجه به زمینه‌ی نیاز اطلاعاتی ممکن است تغییر کند. یعنی در زمینه‌های مختلف و با توجه به نیازهای حاصل در آن زمینه‌ها، نوع پردازش و استفاده متفاوت خواهد بود.

اطلاعات کسب شده توسط کاربر پس از پردازش به عنصری از دانش فرد تبدیل شده و به طور مستقیم یا غیر مستقیم برای نفوذ روی محیط به کار برده می‌شود و به عنوان یک پیامد، نیازهای اطلاعاتی جدید را به وجود می‌آورد. فعالیت‌های ذهنی و فیزیکی اطلاعات به شکل یک چرخه‌ی زنده و پویا است که زمینه‌ساز رفتار اطلاعاتی جدید در سطوح مختلف خواهد بود. دورپناه معتقد است مدل Wilson در فرایند پژوهش، چارچوب خوبی برای تفکر درباره‌ی فرایند کسب اطلاعات ارائه می‌دهد و می‌توان آن را روشن‌تر و یکدست‌تر ساخت (۱۳).

بنابراین با توجه به موارد یاد شده، از این مدل می‌توان چنین فرض کرد که یک سیستم اطلاعاتی باید طوری طراحی شود که خطر شکست کاربر را کاهش داده و در واقع باعث افزایش حس خود اثربخشی شود، اما روش‌هایی که به موجب آن‌ها خطر کاهش می‌یابد برای طراحان یک سیستم مسأله است. به هر حال به احتمال زیاد بهترین سیستم زمانی طراحی می‌شود که طراحان آن، ایده‌های خطر/ پاداش و خود اثربخشی را به خوبی درک کرده باشند.

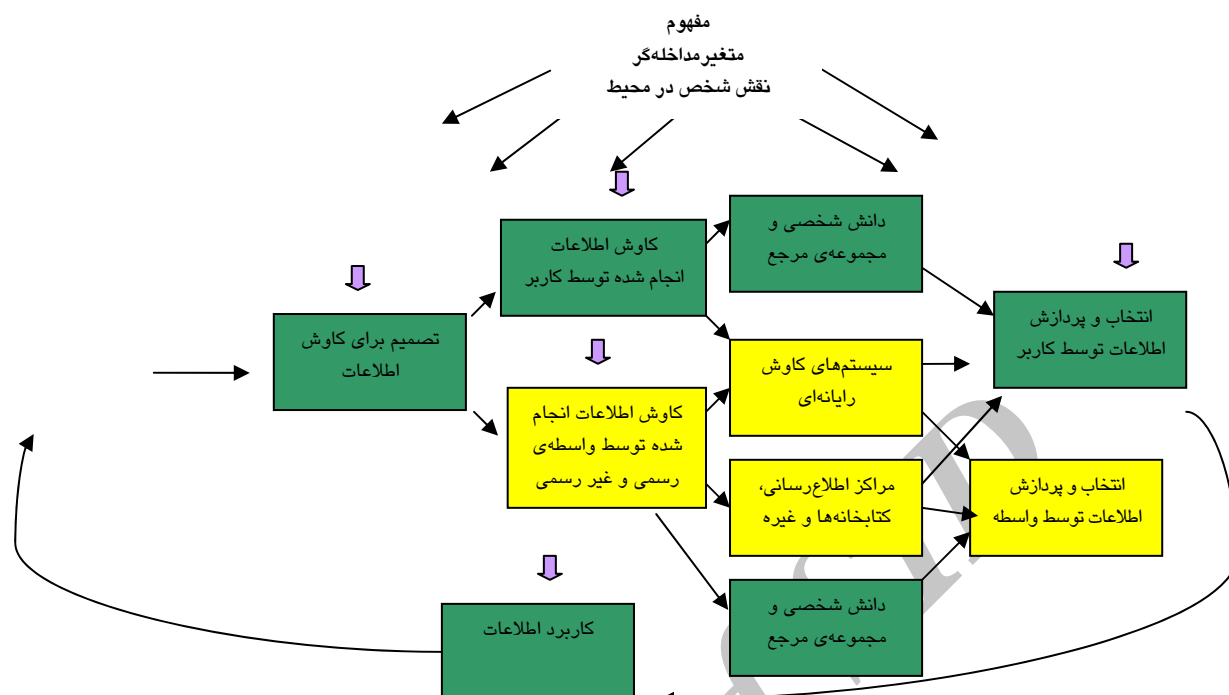
۴. جدیدترین مدل برگرفته شده از مدل اطلاع‌یابی Wilson در سال ۲۰۰۳ این مدل توسط Niedzwiedzka مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و بر اساس آن مدل جدیدی ارائه شد (شکل ۴).

روانی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، روان‌شناختی، محیطی، علایق و تجربیات شغلی می‌تواند جزء عوامل تأثیرگذار بر رفتار اطلاع‌یابی افراد باشند.

از متغیرهای روان‌شناختی می‌توان به دیدگاه فرد نسبت به زندگی و نظام ارزش‌ها، جهت‌گیری سیاسی، دانش، سبک یادگیری و از متغیرهای جمعیت‌شناختی هم می‌توان جنسیت، سن، منزلت اجتماعی و اقتصادی و ... را نام برد. در مدل Wilson این دو متغیر از هم جدا شده‌اند. از نظر Wilson ارزش متغیرهای مداخله‌گر تعیین‌کننده‌ی قوت یا مانع است. بدین معنی که دانش کم از منابع اطلاعاتی موجود مانع بروز رفتار اطلاع‌یابی است، اما دانش زیاد رفتار اطلاع‌یابی را تقویت می‌کند.

ج. ساز و کارهای فعال‌ساز رفتار اطلاع‌یابی: Wilson کار فعال‌کننده (Activating mechanism) را بین زمینه‌ی شخص (Person in context) و زمینه‌ی نیاز اطلاع‌یابی (Context of information need) قرار می‌دهد. او به درستی اشاره می‌کند که هر نیاز اطلاعاتی انگیزه‌ی فعالیت‌های اطلاع‌یابی را ایجاد نمی‌کند. وی برای یافتن عامل ایجاد انگیزه‌ی اطلاع‌یابی، پاسخ را در روان‌شناسی و نیز ضرورت پرداختن به بقیه‌ی علوم جستجو می‌کند. به نظر او یکی از ساز و کارهای فعال‌کننده را می‌توان با نظریه‌ی فشار/مقابله (Stress/Coping) تبیین کرد. طبق این نظریه هر نیاز انسان را وادار به اطلاع‌یابی نمی‌کند، به طور مثال اگر فرد متقاعد شود که دانش موجودش برای موقعیت و تصمیم‌گیری کافی است، اقدام به اطلاع‌یابی نمی‌کند. اگر بر این باور نباشد، فشار خطر اشتباه تجاوز به هنجارهای اجتماعی و مشروع، مسؤولیت اقتصادی و عدم پاسخ به توقعات را به وجود می‌آورد. هر چه این فشار بیشتر باشد، انگیزه‌ی بیشتری برای اطلاع‌یابی ایجاد می‌شود تا جایی که این فشار فعالیت‌ها را از کار بیاندازد.

عامل دیگر فعال‌کننده، ضرورت مقابله با موقعیت و حل مسأله است که Wilson بر مبنای نظریه‌ی خطر/پاداش (Risk/ Reward)، چگونگی اطلاع‌یابی افراد در برخی موقعیت‌ها و علت استفاده افزون‌تر از برخی منابع را تبیین



شکل ۴. مدل تجدید نظر شده‌ی Wilson (۲۰)

کسب اطلاعات بر کاربر اثر می‌گذارد؛ در حالی که تأثیر هر نوع تغییری را می‌توان در همه‌ی مراحل پیدایش نیاز، تصمیم‌گیری، پردازش و استفاده از اطلاعات تصور کرد.

- همین مسأله در مورد ساختارهای فعال‌سازی نیز صادق است. آن‌ها نه تنها در مرحله‌ی تصمیم به اطلاع‌یابی، بلکه در تمام مراحل کسب اطلاعات حضور دارند (۲۰).
- بهتر است از ساختارهای فعال‌سازی خاص مانند «فشار»، «ادراک خطر»، «انتظار پاداش»، «سطح محسوس» و «خودآثربخشی» نام برده شود و نه نظریه هر یک از آن‌ها.
- در نمودار Wilson رابطه‌ی سببی (پیکان‌ها) (شکل ۳) بین ساز و کارهای فعال‌کننده و متغیرهای مداخله‌گر ترسیم شده است که می‌تواند گمراه‌کننده باشد؛ چرا که این ساز و کارها، پدیده‌های روان‌شناختی و جامع‌شناختی کلی هستند، نه عنصر مستقل از زمینه.

همچنین او معتقد است مدل Wilson موقعیتی محدود شده است که کاربر خودش به اطلاع‌یابی می‌پردازد. افزون بر این، او در مدل سال ۱۹۸۱ راهبردهای کسب اطلاعاتی را

Niedzwiedzka علاوه بر بیان نکات مثبت مدل Wilson به برخی از کاستی‌های آن نیز اشاره می‌کند.

- Wilson مرحله‌ی پیدایش نیاز اطلاعاتی و تصمیم به اطلاع‌یابی را از یکدیگر تفکیک می‌کند، اما این مسأله در نمودار او منعکس نشده است. هر نیازی به اطلاع‌جویی منجر نمی‌شود و برای تصمیم‌گیری محرک دیگری غیر از احساس نیاز لازم است.
- او در نمودار زمینه را از متغیرهای مداخله‌گر جدا می‌کند، ولی به نظر می‌رسد نیازی به این کار نیست. متغیرهای مداخله‌گر زمینه‌ی رفتار اطلاعاتی را تشکیل می‌دهند و ماهیت متفاوت محیطی، نقش وابسته و شخصی دارند.
- ویژگی‌های منبع اطلاعاتی به عنوان یک طبقه‌ی جداگانه از متغیرهای مداخله‌گر در نظر گرفته شده است، حال آن که این منبع عنصر محیط اطلاعاتی (بافت) است. بنابراین، می‌توان آن‌ها را در رده‌ی کلی متغیرهای محیطی گنجانده.
- شکل ترسیمی نمودار قیودی را ایجاد می‌کند و حاکی از آن است که متغیرهای مداخله‌گر فقط در مرحله‌ی

اطلاعات کند. موفقیت و عدم موفقیت یک راه‌حل، در فن‌آوری‌های جدید نهفته نیست، بلکه در درک نیازها و رفتارهای انسان نهفته است (۲۲).

نکته‌ی دیگر قابل توجه در رفتار اطلاع‌یابی توجه به عواملی است که در این نوع رفتار تأثیرگذار هستند. دانشمندان معتقدند که یک رفتار در پی یک زنجیره عوامل روی می‌دهد؛ چرا که هر جستجوگری با توجه به تجربیات، دانش، نیاز اطلاعاتی و سطح انتظار خود در هر یک از مراحل جستجو با سطح متفاوتی از دقت و توجه عمل می‌کند. پژوهش صیامیان و همکاران نیز مشخص کرد که نوع نیاز اطلاعاتی و رفتار اطلاع‌یابی دانش‌پژوهان و استادان بستگی به رشته‌ی مطالعاتی آن‌ها دارد و از یک رشته به رشته‌ی دیگر فرق می‌کند. این رفتارها به ما کمک می‌کند که خدمات را طوری طراحی کنیم که نیاز اطلاعاتی و کسب دانش را به طور مؤثرتر انتقال داد (۲۳).

بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که جستجوگران از یک الگوی مشخص و از قبل تعیین شده‌ای برای کسب اطلاعات و رفع نیازهای اطلاعاتی خود تبعیت کنند و تنوع و گوناگونی در رفتار اطلاع‌یابی امری مداوم و غیر قابل پیش‌بینی خواهد بود و عوامل محیطی، روانی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در نوع رفتار تأثیرگذار می‌باشد.

مرور متون مشخص نمود که بعضی از صاحب‌نظران معتقد هستند که مدل اطلاع‌یابی Wilson بر خلاف سایر مدل‌ها، کاربرگرا است؛ چرا که از تعریف مسأله به سوی اطلاع‌یابی، از تعامل با نظام‌های اطلاع‌رسانی به مرحله‌ی پردازش و استفاده از اطلاعات پیش می‌رود (۱۳) و بعضی دیگر تأکید دارند که الگوی کلی Wilson بیشتر یک نظریه است تا یک چارچوب نظری. به عبارت دیگر، اگر چه در شکل نهایی این الگو نظریه ایفای نقش می‌کند، اما هدف از الگوی مذکور پیوند دادن نظریه به عمل است (۲۰). به نظر می‌رسد، این الگو شاید با تکامل بیشتر توسط پژوهشگران بعدی، اساسی برای تفکر درباره‌ی مسایل رفتار اطلاع‌یابی انسان را فراهم نماید.

ترسیم کرد که آن‌ها را مسیرهای اطلاع‌یابی نامید، اما در مدل جدید از این مسیرها سخنی به میان نیامده است.

بحث

درک این نکته مهم است که الگوی جهان شمول Wilson در طول زمان شکل گرفته و تکامل تدریجی داشته است و فهم ارتباط میان نمودارهای مختلفی که او به منظور تشریح این الگو ارائه نموده، ضروری است. از این رو باید درک شود که هیچ الگویی مستقل و کامل نیست و در استفاده از این الگو برای نشان دادن روند رشد ایده‌های پژوهشی، لازم است که تمام نمودارهای موجود در الگوی سال ۱۹۸۱ و همچنین الگوی سال ۱۹۹۶ بازنگری و بر اساس آن‌ها عمل شود (۲۰). از سویی این مدل باعث نمی‌شود کاربر به هنگام وارد شدن در فرایند اطلاع‌یابی رشد کند و فراگیرد و خیلی شبیه کتابخانه‌ی سنتی است؛ چرا که تنها بر مهارت‌های مربوط به منابع، مانند مکان‌یابی، دسترسی و استفاده از منابع تأکید می‌کند و به قول Hayden مهارت‌های مربوط به کتابخانه از سایر مهارت‌های لازم برای استفاده از اطلاعات، مثل تفکر انتقادی و تحلیل جدا شده است (۲۱).

همچنین نیازهای اطلاعاتی با خواسته‌ها یا تقاضای اطلاعاتی تفاوت دارند. نیازهای اطلاعاتی اغلب مبهم بوده و به سادگی ارضا نمی‌شوند (۲۲). برای این که جستجوگران بتوانند رفتار مناسبی برای رفع نیازهای اطلاعاتی خود نشان دهند، ابتدا باید درک مناسبی از نیاز اطلاعاتی خود داشته باشند تا بتوانند نیاز اطلاعاتی خود را به درستی به نظام‌های اطلاعاتی یا کتابداران و اطلاع‌رسانان منتقل نمایند. شاید دلیل گوناگونی الگوهای اطلاع‌یابی ریشه در همین مسأله داشته باشد که نیاز اطلاعاتی از فردی به فرد دیگر متفاوت است؛ چرا که ارتباط تنگاتنگی با گذشته‌ی افراد و دانش قبلی او دارد.

Kalbakh در راستای همین اصل معتقد است که در آینده باید تلاش شود نظام‌های بازیابی اطلاعات هوشمند و شهودی طراحی شود تا کاربر را وارد تعامل معنی‌دار با

References

1. Wilson TD. Human Information Behavior. Special Issue on Information Science Research 2000; 3(2): 50-7.
2. Adhami A. What is the information Seeking and Behavior of Information Seeking? Journal of Information Processing and Management 2004; 19(3): 31-6. [In Persian].
3. Davarpanah MR. Human Information Seeking. Tehran, Iran: Dabizesh Publication; 2007. [In Persian].
4. Fisher KE. Theories of information behavior (2005). Trans. Zareh Naghshbandi. Tehran, Iran: Ketabdar Publication; 2007.
5. Noshinfard F. Survey of Factors of Information seeking Behaviour in Faculty Members. Faslname-Ye Ketab 2005; 16(3): 39-52. [In Persian].
6. Wilson TD. Models in information behaviour research. Journal of Documentation 1999; 55(3): 249-70.
7. Yaminfirooz M, Davarpanah MR. Information need, information seeking behavior patterns. Faslname-e Ketab 2005; 16(3): 123-32. [In Persian].
8. Yaminfirooz M, Davarpanah MR. Survey of models and Information seeking behaviour among Faculty members at Ferdowsi University of Mashhad on Internet. Library and Information Science 2005; 7(2): 45-64.
9. Bandura A. Social foundations of thought and action: a social cognitive theory. New York, NY: Prentice-Hall; 1986.
10. Bates MJ. The design of browsing and berrypicking techniques for the online search interface. Online Information Review 1989; 13(5): 407-24.
11. Hersberger JA. Are the economically poor information poor? Does the digital divide affect the homeless and access to information? Canadian Journal of Information and Library Science 2002; 27(3): 44-63.
12. Chatman EA. A theory of life in the round. Journal of the American Society for Information Science 1999; 50(3): 207-17.
13. Davarpanah MR. Scientific Communication: information need and Information Behaviour. Tehran, Iran: Dabizesh Publication; 2007. [In Persian].
14. Azami M, Fatahi R. Database Graphic User Interface correspondence with Ellis Information Seeking behavior Model. Journal of Information Processing and Management 2010; 25(2): 247-64. [In Persian].
15. Savolainen R. Everyday life information seeking: Approaching information seeking in the context of GÇ£way of lifeGÇ¥. Library & Information Science Research 1995; 17(3): 259-94.
16. Gross M. The imposed query. RQ 1995; 35(1): 236-43.
17. Rioux K. Information Acquiring-and-sharing in Internet-based Environments: An Exploratory Study of Individual User Behaviors [Doctoral Thesis]. Austin, TX: The university of texas And Austin; 2004.
18. Foster A. A Nonlinear Model of Information-Seeking Behavior. Journal of The American Society For Information Science and Technology 2004; 55(3): 228-37.
19. Case DO. Looking for information: A survey of research on information seeking, needs, and behavior. 2nd ed. London, UK: Emerald Group Publishing; 2007.
20. Niedz'wiedzka B. A proposed general model of information behaviour. Information Research 2003; 9(1): 164.
21. Hayden KA. Information Seeking Models [Online]. 1999 [Cited 2011 Feb16]; Available from: <http://www.ucalgary.ca/~ahayden/seeking.html>
22. Kalbakh J. Designing for information forgers: a behavioral model of information seeking on the world wide web [Online]. 2001 [Cited 2011 Apr 22]; Available from: URL: http://www.sandia.gov/itg.newsletter/dec/article_information>forgers.html/
23. Siamian H, Balaghafari A, Aligolbandi K, Bagheri Nesami M, Yamin firooz M, Shahrabi A, et al. Information Needs and Information Seeking Behaviors of Faculty Members at Medical Sciences Universities in North of Iran Irandoc. Scientific Communication monthly Journal 2010; 16(2). [In Persian].

The Concepts and Characteristics of Wilson's Information Seeking Behavior Model: A Literature Review

Mousa YaminFirooz¹, Fatemeh NooshinFard PhD², Hasan Siamian³

Abstract

This study aimed to describe the concepts and characteristics of Wilson's information seeking behavior model, as the highly cited pattern in information seeking behavior debates and tracing its completion, expansion and development process. Wilson's information seeking behavior model is the base for other subsequent related models. It has been the highly cited model amongst other information seeking behavior models worldwide. Having revised four times since 1981, the model has been revised by many researchers as a theory rather than a theoretical framework. In other words, despite the role of theory in its final formation, the aim of the model is to connect theory to practice. It is important to note that Wilson's general model has been constructed and evolved continuously and the understanding of the connections and relations of the charts and conceptions embedded in the model in details has been important for its explanation. No pattern is complete by itself and for showing the growth trends of research ideas from the model, it is necessary to revise the charts and concepts embedded in both 1981 and 1996 Wilson's model varieties and practice accordingly. In this study, concepts and features of Wilson's information seeking model have been expressed, and a brief overview of the information seeking behavior theories and analysis of the Wilson's information seeking behavior models have been performed.

Keywords: Information Seeking Behavior; Wilson's Model; Information Storage and Retrieval

Type of article: Review Article

Received: 21 May 2011

Accepted: 6 May 2012

Citation: YaminFirooz M, NooshinFard F, Siamian H. **The Concepts and Characteristics of Wilson's Information Seeking Behavior Model: A Literature Review.** Health Information Management 2012; 9(4): 579.

1- Lecturer, General Education, Babol University of Medical Science, Babol, Iran (Corresponding Author)
Email: yaminfirooz@yahoo.com

2- Assistant Professor, Library and Information Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3- PhD Student, Library and Information Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran AND Lecturer, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran